

تحلیل مفهوم کار شایسته مبتنی بر موازین اسلامی

۹

دوفصلنامه مطالعات
حقوق و فقهی اجتماعی

همزه اشکبوس و همکار
تحلیل مفهوم کار شایسته مبتنی بر موازین اسلامی

همزه اشکبوس^{*۱}
توکل حبیب زاده^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، تهران، ایران.

چکیده

کار شایسته عنوان جدیدی است که بیش از یک دهه از طرح آن در عرصه بین‌الملل کار نمی‌گذرد. رسوخ این مفهوم به نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با توجه به عضویت ایران در سازمان بین‌المللی کار و الحاق به برخی از مقاوله‌نامه‌های مطرح در این زمینه از یک سو، و ابتدای کلیه قوانین و مقررات کشور براساس موازین دین اسلام طبق اصل چهارم قانون اساسی از سوی دیگر، موجب گردیده است تا تحلیل این مفهوم در نظام حقوقی کشور با توجه به بسترهای آن در دین اسلام، لازم و ضروری جلوه نماید. همچنین با توجه به تفاوت دیدگاه غربی و اسلام به انسان و کرامت انسانی او، این مقاله در پی آن است تا ضمن تبیین این مفهوم و مؤلفه‌های مطرح در ذیل آن، به بررسی مؤلفه‌های مذکور در دین اسلام با توجه به دیدگاه مذکور بپردازد. پیش‌فرض حاکم بر این مقاله آن است که، مؤلفه‌هایی که مقوله کار شایسته در پی تحقق آن است، در دین اسلام به عنوان دینی کامل و جامع در همه امور و عرصه‌های بشری و مبتنی بر کرامت انسان، به نحو مطلوبی متجلی شده و تحقق یافته است و به تبع این امر، نظام حقوقی کشور نیز با توجه به ماهیت دینی و اسلامی آن، دربردارنده این مؤلفه‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: کار شایسته، مؤلفه‌های کار شایسته، سازمان بین‌المللی کار، دین اسلام، کرامت انسانی، اصل چهارم قانون اساسی.

کار شایسته^۱ به عنوان یک هدف فراگیر با تصویب سازمان بین‌المللی کار^۲ در سال ۱۹۹۹ میلادی، به اعضای این سازمان معرفی، و رعایت اصول آن، مورد تأکید قرار گرفته است. دولت ایران نیز به عنوان یکی از اعضای اصلی سازمان مذکور، موظف است راهبردهای کار شایسته را در حقوق داخلی خود با توجه به ابتهای این مقوله در موازین و بسترهای دین اسلام، لحاظ نموده و به تصویب رساند. بنابراین می‌توان این مقوله را از دو منظر تبیین و تحلیل نمود؛ یکی از جهت مفهومی و اصطلاحی کار شایسته و بررسی مؤلفه‌های آن، و دیگر از جهت بررسی و تحلیل این مقوله در موازین دین اسلام. مختصراً آن‌که؛ بر اساس اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی بوده و نباید امری غیر اسلامی در کشور تصویب و یا اجرایی شود. بنابراین تحلیل کار شایسته و مؤلفه‌های مطرح در ذیل آن در موازین دینی و جستجوی بسترهای این مقوله در دین اسلام، لازم و ضروری است. مقاله پیش‌رو در پی پژوهشی هرچند مختصر در این زمینه می‌باشد.

۱. تبیین مفهومی کار شایسته

۱-۱. تعریف کار شایسته

کار شایسته از مفاهیمی است که اخیراً در ادبیات بین‌المللی حقوق کار وارد شده و به عنوان یکی از ابعاد اصلی توسعه پایدار شناخته شده است. همچنین می‌توان این مفهوم را به عنوان فرصت‌هایی برای افراد جهت دستیابی و حفظ کار خوب و سودمند از لحاظ اقتصادی در شرایط آزادی، برابری، امنیت و کرامت انسان تعریف کرد. (Juan Somavia, 1999: 3)

در این تعریف برخی ابعاد قابل اشاره‌اند:

- الف) توانایی افراد در یافتن و حفظ کاری که خواهان آنند،
- ب) انجام کار بدون وجود اجبار،
- ج) وجود فرصت‌هایی یکسان بدون تبعیض در کار،
- د) احساس امنیت در کار از جهت حفظ سلامتی و تأمین مالی در زمینه بازنشستگی، از کارافتادگی و حوادث شغلی،
- ه) حفظ شأن و کرامت انسانی شاغلان از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری برای تعیین شرایط کاری خود. (هرندی، ۱۳۸۹: ۱۵)

۲-۱. مؤلفه‌های کار شایسته

در کنار تبیین مفهوم کار شایسته، تحلیل و بررسی مؤلفه‌های مطرح در این مقوله نیز، امری ضروری است؛ چرا که کار شایسته بدون مؤلفه‌های خود اساساً بی‌معنی و بی‌اهمیت جلوه خواهد کرد.

۱-۲-۱. حقوق بنیادین کار^۳

ابتدا باید از نظر گذراند که انسان با توجه به اینکه دارای کرامت ذاتی است، دارای حقوق بنیادین و اساسی نیز هست. حقوق بنیادین از حقوق اولیه یک انسان به عنوان عضوی از جامعه سخن می‌گوید. حقوق بنیادین چه مرتبط به حقوق فردی و چه مرتبط با حقوق اجتماعی فرد باشد، امری حیاتی و اساسی است و موجب رهایی او از بی‌عدالتی می‌شود. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۵: ۱۴۰)

کارکردن یکی از حقوق مذکور است که حمایت‌های خاص خود را می‌طلبد. هرکس نیازمند کسب درآمد در زندگی خود می‌باشد که از طریق انجام کار میسر خواهد شد. در هر صورت، انجام کار برای تأمین معاش باید آن‌گونه منصفانه باشد که افراد بتوانند بدون هیچ‌گونه تحمیلی به کار مورد علاقه خود بپردازند و مورد استثمار و بهره‌کشی دیگری قرار نگیرند. تأمین و تضمین آزادی کار، حق کار، حق داشتن شرایط مطلوب کار و تقویت مواضع کارگران، از طریق تشکل از جمله تدابیری است که در حقوق موضوعه به آن پرداخته شده است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۶۷)

منظور از حقوق بنیادین کار مجموعه‌ای از ماهیت‌ها، کمیت‌ها و اوصافی است که در صورت عدم حضور یا نقش‌آفرینی در عرصه کار و روابط کار، آسیبی به حقوق بشر و در نتیجه کرامت انسانی فرد، وارد می‌گردد. حقوق بنیادین کار از چهار بخش تشکیل شده است:

۱-۲-۱-۱. لغو کار اجباری:

فطری بودن آزادی انسان، آزادی کار را نیز شامل می‌شود؛ بدین معنا که افراد وقتی احساس آرامش می‌کنند که، براساس کشش‌های طبیعی خود، به کوشش و تلاش بپردازند. بنابراین، هیچ‌گونه جبر و تحمیلی از این بابت روا نیست.

با وجود این منطق قوی، نظام بردگی و اختلافات طبقاتی، حکایت از اجبار افراد به کار از گذشته‌های دور تا تاریخ معاصر دارد که در این زمینه منزلت و کرامت انسانی زیر پا گذاشته شده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۶۸)

در نظام بین‌المللی از جمله اموری که در اسناد بین‌المللی و قواعد و مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، مورد توجه قرار گرفته است و احیای حقوق بشر و مخصوصاً حقوق کارگران را باعث می‌شود، همین مهم بوده و نظام بین‌الملل در پی ریشه‌کن کردن و لغو هرگونه کار اجباری برای بشر برآمده است.

۱-۲-۱. آزادی انجمن و حق تشکل:

تشکل عبارت است از میثاقی که بادی‌های برنجی آن افراد متعدد، با داشتن علایق و آرمان‌های مشترک، فعالیت خود را تنظیم و موضع مشترکی را به طور مستمر اتخاذ کنند، بدون آنکه هدف منفعت‌طلبانه اقتصادی داشته باشند. در این تعریف سه عنصر برای تشکل و جمعیت مشاهده می‌شود:

الف) وجود یک موافقت قراردادی که به موجب آن، اعضای جمعیت تعهد جمعی پیدا می‌کنند.

ب) استمرار؛ امری که یکی از مختصات بارز تشکل‌ها و جمعیت‌ها تلقی می‌شود و آن‌ها از اجتماعات موقتی و اتفاقی متمایز می‌سازد و به آن، خصیصه سازمانی و نهادی می‌بخشد.

ج) غیرانتفاعی بودن؛ یعنی آنکه در آن اعضاء لزوماً از این ائتلاف و اتحاد خود قصد منفعت‌طلبانه اقتصادی نداشته باشند. این وصف وجه تمایز بین این نوع جمعیت‌ها با شرکت‌های تجاری و انتفاعی است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۸۷-۳۸۸)

آزادی انجمن و حق تشکل از جمله حقوق انسانی بشمار می‌رود که با ابعاد وسیع و تأثیرگذار سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی و با مبانی ارزشی خود، در نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی، مورد حمایت قرار گرفته است.

۱-۲-۱. تساوی مزد و منع تبعیض در اشتغال:

توجه نمودن به برابری فرصت و رفتار در خصوص اشتغال و حرفه برای همه، و به عبارتی فراهم نمودن فرصت برابر در شرایط برابر و منع تبعیض در اشتغال، و نیز پرداخت مزد مساوی در برابر کار هم‌ارزش و مساوی بدون در نظر گرفتن جنسیت کارگر، از جمله تدابیری است که دولت، به عنوان خدمت‌گزار جامعه و مردم ناگزیر از اتخاذ آن در سیاست‌گذاری اشتغال خواهد بود.

۱-۲-۱-۴. سن کار و ممنوعیت کار کودکان:

کودک موجودی است که به خاطر وضعیت و آسیب‌پذیری او همواره در معرض خطرات و ناگواری‌های گوناگون بوده است. کار کودکان و حمایت از آن‌ها نیز، یکی از اولین مواردی است که قواعد و موازین بین‌المللی نسبت به آن وضع شده است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۷۶)

نخستین اقدام بین‌المللی در این زمینه و برای حمایت از حقوق کودکان، تعیین حداقل سن کار برای آن‌ها بوده است. تعیین حداقل ۱۸ سال برای کارهای زیان‌آور و کار در معادن، ممنوعیت کار شب برای نوجوانان کمتر از ۱۸ سال و سایر موارد از دیگر مقررات حمایتی است که سازمان بین‌المللی کار برای حمایت از کودکان پیش‌بینی نموده است.

در ادامه باید اشاره کرد که در بین اسناد بین‌المللی کار آن دسته از مقاله‌نامه‌هایی که به حقوق بنیادین کار مربوط می‌شود، دارای اهمیت و اعتبار ویژه‌ای است. این اسناد در قالب هشت مقاله‌نامه درج گردیده است که تاکنون دولت ایران به پنج مقاله‌نامه ملحق شده است. مقاله‌نامه‌های مذکور در قالب چهار گروه عبارت‌اند از:

الف) آزادی انجمن‌ها و حمایت از حق تشکل: شامل مقاله‌نامه‌های شماره ۸۷ و ۹۸.

ب) لغو کار اجباری: شامل مقاله‌نامه‌های شماره ۲۹ و ۱۰۵.

ج) تساوی مزد و منع تبعیض: شامل مقاله‌نامه‌های شماره ۱۰۰ و ۱۱۱.

د) سن کار و ممنوعیت کار کودک: شامل مقاله‌نامه‌های شماره ۱۳۸ و ۱۸۲.

همچنین باید اشاره کرد که مهم‌ترین ویژگی مقاله‌نامه‌های مربوط به حقوق بنیادین کار، ارتباط آن‌ها با یکی از جنبه‌های حقوق انسان است، به همین سبب الحاق بدان‌ها مورد علاقه و تشویق سازمان بین‌المللی کار و نهاد اجرایی آن است. (سپهری، ۱۳۸۲: ۶)

۱-۲-۲. اشتغال مولد^{۱۲}

اشتغال در کار شایسته جزئی حیاتی است. این مفهوم در الگوی کار شایسته نه فقط به مشاغل تمام وقت، بلکه به مشاغل پاره‌وقت، خوداشتغالی و حتی کار در کارخانه نیز بازمی‌گردد. بنابراین جهت نیل به کار شایسته باید شرایط معینی برآورده شده تا برای جویندگان کار به اندازه کافی فرصت شغلی وجود داشته باشد، و کارگر مزدی را دریافت دارد که نیازهای اساسی او را تأمین کند. (ابدی، ۱۳۸۶: ۵۰) بنابراین و با توجه به پیچیدگی اشتغال و ابعاد گوناگون آن، توجه به این ابعاد از جنبه‌های فردی و اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد. (عراقی، ۱۳۹۱: ۱۵۵)

هرچند اشتغال نتیجه بدیهی فراهم بودن عوامل تولید است، اما بدون تردید منظور از اشتغال مولد صرفاً اشاره به گروه خاصی از مشاغل و حرفه‌ها نیست بلکه اشاره به نوع و مدل اشتغال‌زایی نظام اقتصادی است (ابدی، ۱۳۸۶: ۵۵) و یا به تعبیری عبارت از اشتغال و درآمدی که باعث افزایش تولیدشده و در نتیجه باعث افزایش تقاضای مؤثر می‌شود. روی دیگر مسأله اشتغال نیز، بیکاری است. بیکاری از خطرناک‌ترین پدیده‌های عصر حاضر و تا حدودی زاییده دنیای مدرن و سرمایه‌داری کنونی است. در پی این امر نیز مشکلات ناشی از بیکاری بروز می‌کنند.

اگرچه در سال‌های نخستین فعالیت سازمان بین‌المللی کار، از بین مسایلی که در زمینه اشتغال وجود داشت، بیش از همه به مسأله مبارزه با بیکاری و سپس کاریابی توجه شد و این دو امر در مقدمه اساس‌نامه سازمان مذکور، جزء اهداف مهم سازمان ذکر گردید، ولی در این راستا نیز، سازمان بین‌المللی کار برخی از عوامل مؤثر جهت رشد و ارتقاء اشتغال را توصیه نموده و برشمرده است که می‌توان از آن‌ها به اطلاعات و فناوری، کیفیت در اشتغال، آموزش و تعلیم و سایر عوامل اشاره نمود. (هرندی، ۱۳۸۹: ۲۳)

۱-۲-۳. حمایت اجتماعی^{۱۳}

انسان به عنوان عضو جامعه، دارای خواست‌ها، تمایلات و غرایز فراوانی است که ارضاء منطقی و اصولی آن برای نیل به زندگی شایسته، ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا حقوق تأمین اجتماعی نیز، مقوله‌ای است که به ابزارها و ساختارهای حقوقی تأمین نیازهای انسان می‌پردازد و مقرراتی که جامعه و دولت را موظف می‌کند به هنگام پریشانی و تنگناهای اجتماعی و اقتصادی شهروندان (از قبیل بیماری، بیکاری، حوادث ناشی از کار، از کارافتادگی، مرگ و...) را مورد حمایت قرار دهند، در بر گرفته و موضوع این حمایت‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر و در مقام تعریف، می‌توان تأمین اجتماعی را مجموعه اقدامات سازمان‌یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای مذکور پیش‌بینی و انجام می‌دهد، دانست. (استوارسنگری، ۱۳۸۷: ۵۷) همچنین می‌توان بیان داشت که تأمین اجتماعی بر اساس اصل مسئولیت متقابل همگانی، از پایه‌های اصلی عدالت اجتماعی است که در آن، افراد مردم مسئول حمایت از یکدیگرند و توانگران موظف به تأمین زندگی تنگدستان و درماندگان می‌باشند. این تعاون اجتماعی که از نظر ماهوی نیز در زمره فضایل اخلاقی بشمار می‌رود، در نظام بین‌المللی و حقوق داخلی، با ضوابطی خاص مورد تأکید قرار گرفته و از جمله مؤلفه‌های کار شایسته شناخته شده است.

۱-۲-۴. گفتگوی اجتماعی^{۱۴}

گفتگو، بیان نقطه نظرات خود، طرح مسأله و شنیدن پاسخ از طرف مقابل در جهت روشن شدن ابهامات و چالش‌ها می‌باشد که به منظور دستیابی به تفاهم و توافق و در حد عالی تر آن، تصمیم‌های مشترک انجام می‌گیرد. بدون گفتگو هیچگاه وجوه اشتراک و افتراق، مشکلات و علایق شناسایی نخواهند شد.

شرکای اجتماعی (کارگر و کارفرما) نیز، جهت شناسایی و حل مشکلات حوزه کار، نیازمند گفتگو با دولت بوده و از این طریق قادر به درک بهتر و کامل‌تری از نیازها، خواسته‌ها، شرایط و مشکلات طرف مقابل می‌باشند. اصطلاحاً به این شکل از گفتگو در ادبیات حقوق کار، گفتگوی اجتماعی اطلاق می‌گردد. (محدث، ۱۳۸۳: ۲۹)

سازمان بین‌المللی کار گفتگوی اجتماعی را شامل انواع مذاکرات، مشاوره یا تبادل اطلاعات بین نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران می‌داند. دامنه شمول این گفتگوها مسایلی را در برمی‌گیرد که نمایانگر منفعت مشترک آن‌ها در رابطه با سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی باشد. (<http://www.ilo.org/ipecc/Action/social-dialogue/lang-en/index.htm>)

گفتگوی اجتماعی شامل مذاکرات دسته‌جمعی و گفتگوهای سه جانبه است. مذاکرات دسته‌جمعی مذاکراتی هستند که درباره شرایط کار بین یک کارفرما یا گروهی از کارفرمایان و یا یک یا چند سازمان کارفرمایی از یک طرف و یک یا چند سازمان کارگری از طرف دیگر، به منظور حصول توافق صورت می‌گیرد. در واقع مذاکرات جمعی همان نهادهای دو جانبه کار هستند که بدون واسطه، دو گروه کارگر و کارفرما سعی دارند از طریق گفتگو و چانه‌زنی به کسب تفاهم برسند. مکانیسم گفتگوی سه جانبه نیز، مبتنی بر همکاری دولت و شرکای اجتماعی (کارگر و کارفرما) است و میزان تعادل در توان آن‌ها و تمایل و خواست آن‌ها برای ادامه گفتگو تا حصول نتیجه، می‌تواند میزان توفیق این گفتگوها را رقم بزند. همچنین باید از نظر گذراند که وقتی سخن از گفتگوی اجتماعی است، دولت، کارگران و کارفرمایان که نهاد سه جانبه گفتگو هستند، مورد نظر بوده و منظور ایجاد شرایطی است که این سه عنصر بتوانند در عرصه‌های مختلف و با درکی متقابل، سهم خود را در پیشبرد جامعه ایفا کنند. نکته قابل توجه در این گفتگوها، اعتماد اجتماعی است، امری که می‌توان از آن به عنوان پیش‌شرط هرگونه مشارکت اجتماعی، یادکرد. (ابدی، ۱۳۸۶: ۱۹۶)

۲. کار شایسته و مؤلفه‌های آن در اسلام

در نظام اجتماعی اسلام که در آن به سعادت انسان‌ها به عنوان کمال مطلوب توجه می‌شود، جامعه نیز به عنوان یک نهاد برای رشد انسان‌ها در آن، دارای جایگاه والایی است. مقوله «کارکردن» نیز در این نظام دارای جایگاه و مفهوم ویژه‌ایست. بنابراین می‌توان به صراحت بیان کرد که اسلام دین فعالیت و کار است نه دین سستی و خمودی. اسلام پیروان خود را به کار و فعالیت وامی‌دارد و برخلاف برخی ادیان، گوشه‌گیری و رهبانیت را روا نمی‌داند. در این نظام آنچه مورد نظر اسلام است این است که انسان کارهایش به گونه‌ای باشد که وجود او را ساخته و وی را بسوی کمال سوق داده و موجب اعتلای او گردد. (موسوی، ۱۳۷۷: ۲۱-۲۲)

در نظام اسلامی برخی از مؤلفه‌هایی که از آن‌ها به کار شایسته تعبیر شده است نیز، بسیار به چشم خورده و در تعبیر آیات و روایات بسیاری به این امور پرداخته شده است. در ابتدا توجه به اهمیت کار و تلاش از منظر اسلام، برای روشن شدن موضوع، امری ضروری و لازم می‌باشد.

۲-۱. اهمیت کار در آئینه آیات و روایات

ممکن است در ابتدای امر این‌گونه تلقی گردد که تعلیمات دینی و مذهبی در زمینه تهذیب نفس و اهمیت عبادات و تکیه بر جهان اخروی، که در دین اسلام بر آن تأکید و توجه شده است، باعث می‌شود که پیروان این آئین از کار و تلاش، روی‌گردان شده و این امر مانع تحرک کافی انسان‌ها در اسلام شود. اما با مراجعه به منابع و موازین دینی در اسلام، خلاف این مدعا به اثبات خواهد رسید.

۲-۱-۱. اهمیت کار در آئینه آیات قرآن کریم:

در قرآن کریم آیات متعددی در تشویق به کار و تلاش وجود دارد و مبین این نظر است که، توجه به عبادات و پاکی روح در انسان، مابینت و تضادی با کار، فعالیت و کوشش او نخواهد داشت، بلکه خود، بتعبیری عبادت محسوب شده و باعث ارتقاء معنوی فرد نیز می‌گردد. در ادامه به برخی از این آیات اشاره‌ای هرچند مختصر، خواهد شد.

آیه اول: ... هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا.^{۱۵}

در این آیه اشاره شده است که خداوند انسان را از زمین آفریده (یا در زمین آفریده) که در آن آبادانی کند. به دیگر بیان، پیام این آیه، کار و آبادانی بوده که به دنبال یکدیگر می‌باشند و از هم جدا نمی‌گردند. یعنی انسان باید به دنبال آبادانی، کار و فعالیت‌های

صنعتی و کشاورزی و کشف معادن و ... برود. امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر آیه مذکور فرموده‌اند که خداوند به مردم امر کرده است که زمین را با کشاورزی آباد سازند تا بدین وسیله خوراکشان از غلات، حبوبات، میوه‌ها و سایر روئیدنی‌ها تأمین گردد و در آسایش زندگی کنند. (موسوی، ۱۳۷۷: ۵۷) بنابراین و بر اساس این آیه، از زمین به عنوان منبع ثروت و نیز محل بهره‌برداری‌های مختلف اقتصادی یاد می‌شود که برای دستیابی به آن‌ها باید کارکرد و تلاش نمود. قرآن کریم همه انسان‌ها را به کار و فعالیت برای بهره‌برداری از این منابع برای کسب روزی فرامی‌خواند.

آیه دوم: *وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى*.^{۱۶}

«و برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست».

در این آیه کریمه «سَعَى» به معنی راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده، ولی غالباً به معنی تلاش و کوشش به کار می‌رود؛ چرا که به هنگام تلاش و کوشش در کارها، انسان حرکت سریعی انجام می‌دهد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ۵۵۹) در هر صورت طبق این آیه، تنها بهره انسان بر اساس کاری است که انجام داده و تلاشی است که از او حاصل شده است.

آیه سوم: *فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ*.^{۱۷}

در این آیه کریمه نیز، خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به کار دیگری مشغول شو». بنابراین انسان نباید هرگز بیکار باشد و کار و تلاش را کنار نگذاشته و پیوسته مشغول کوشش و مجاهدت باشد و پایان کاری را آغاز کار دیگری قرار دهد.

هدف آیه مذکور نیز، این است که پیامبر اسلام را به عنوان یک الگو و سرمشق، از اشتغال به استراحت بعد از پایان یک امر مهم بازدارد، و تلاش مستمر و پیگیر را در زندگی به او گوشزد نماید، زیرا اصولاً بیکار بودن مایه تبلی، فرسودگی و در بسیاری از مواقع مایه فساد و تباهی می‌گردد.

آیه چهارم: *وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا*^{۱۸}

این آیه را می‌توان این‌گونه معنا کرد که انسان باید به وسیله آنچه خدا به او داده است سرای جاویدان را جستجو کند و بهره خود از این جهان (دنیای مادی) را نیز فراموش نکند. به دیگر سخن، برنامه اسلام بر این پایه بنا شده است که بین اداره زندگی مادی و توجه به معنویات و آرایش باطن و روان انسان توازن و تعادلی ایجاد کرده که یکی را راه وصول دیگری قرار دهد. با این بیان و بر اساس این نگاه اسلامی، لازمه رستگاری

در عوالم معنوی، بی توجهی به جهان مادی نیست. بنابراین لازمه این امر، کار و تلاش خواهد بود. با توجه به این ضرورت باید بیان داشت که، برخلاف آنچه که برخی گمان می کنند، کار و فعالیت و به دست آوردن مال برای تأمین احتیاجات مادی زندگی نه تنها مورد نهی دین واقع نشده، بلکه کاملاً مورد تأکید دین اسلام بوده و به آن تشویق و ترغیب شده است. تنها نکته قابل توجه در این خصوص این است که، اگرچه کار کردن و کسب مال و استفاده از لذات مادی امری است مقبول و حتی پسندیده، تردید نیست که باید با رعایت جنبه های معنوی و به ویژه با احترام به حقوق دیگران و مصلحت اجتماع توأم باشد و گرنه کاری که با این اهداف مغایرت داشته باشد، در اسلام مردود شناخته شده است. (موسوی، ۱۳۷۷: ۱۲۷)

۲-۱-۲. اهمیت کار در آئینه روایات اسلامی:

در روایات اسلامی و کلمات پیشوایان دینی نیز به مسأله کار و تلاش و کوشش، اهمیت فوق العاده ای داده شده و از سستی و تنبلی نهی شده است. تأکید بر این امر در حدی بوده است که در برخی کتب بابی در زمینه تلاش برای تحصیل روزی بیان شده و احادیث متعددی در این زمینه عنوان گردیده است.

روایت اول: ...إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ، إِزْدَوْجَ الْكَسْلُ وَالْعَجْزُ فَتَنْجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرَ. (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۳۸)

«هنگامی که موجودات در آغاز با هم ازدواج کردند، تنبلی و ناتوانی با هم پیمان زوجیت بستند و فرزندی از آنها به نام فقر متولد شد». این روایت از جمله احادیثی است که از امیر مؤمنان (ع) در این ابواب نقل شده است و در نکوهش و مذمت تنبلی و ناتوانی بیان شده است و ثمره این امر، فقر و تهی دستی عنوان گردیده است.

روایت دوم: لَا تَكْسِلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ، فَإِنَّ أَبَائِنَا كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَ يَطْلُبُونَهَا. (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۳۷)

در این روایت که از امام صادق (ع) نقل شده است، ضمن توصیه به کار و تلاش، از تنبلی نیز نهی شده است و حضرت در این زمینه فرموده اند: «در طلب روزی و نیازهای زندگی، تنبلی نکنید، زیرا پدران و نیاکان ما بدنبال آن می دویدند و آنرا طلب می کردند». روایت سوم: إِنِّي لِأَبْغِضُ الرَّجُلَ أَنْ يَكُونَ كَسْلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَ مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ. (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۳۷)

در حدیث دیگری از امام باقر (ع) نقل شده است که ایشان اعلام انزجار از کسی کرده اند که در امور دنیوی اش تنبلی کند و بیان داشته اند که کسی که در امر دنیای مادی خود تنبل

باشد، قطعاً در امور مربوط به آخرت خود و عباداتش تنبلی تر می‌باشد. با این بیان می‌توان از حدیث مذکور نتیجه گرفت، که تنبلی حتی در امور دنیوی و مسائل زندگی روزمره برای انسان، مورد مذمت و نکوهش است و این تنبلی در مسائل دنیایی فرد به تنبلی در مسائل معنوی و امور اخروی وی نیز تسری پیدا خواهد کرد که باید از آن اجتناب کند. روایت چهارم: **إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا**. (صدوق، ۱۳۹۲ق، ج ۳: ۱۵۶)

این روایت یکی از سفارش‌هایی است که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است و توصیه به کار را مورد توجه قرار داده است. بیان مذکور، انسان را به کار و فعالیت وامی‌دارد و می‌خواهد این نکته را از زندگی او دور کند که مبدا چنین فکری در او خطور کند که چون هر لحظه ممکن است انسان دار فانی را وداع بگوید و مشخص نیست تا چه زمانی زنده بماند، پس نباید برای این زندگی مادی کار و تلاش کند، بلکه باید گوشه‌نشینی اختیار کرده و رهبانیت را برگزیند. (موسوی، ۱۳۷۷: ۶۲)

براین اساس دین اسلام معتقد است و چنین اظهار می‌دارد که ای انسان! باید برای زندگی مادی و دنیایی‌ات چنان باشی و برنامه‌ریزی کنی که گویا عمر جاودان خواهی داشت، پس تا حدی که مجاز است و امکان دارد انسان باید با تمام قوا به کار و تلاش همت گمارد.

۲-۲. تحلیل مؤلفه‌های کار شایسته در اسلام

آنچه در دهه‌های پیشین در حقوق کار مبنی بر حمایت از کارگر و حقوق آن مطرح شده و به آن‌ها توجه شده است و کار شایسته نیز در پی آن است، اموری است که در دین اسلام مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته است و در کلام پیشوایان دینی کلمات و تعبیر بسیاری در این زمینه وجود دارد که بیانگر احترام به کارگر و حفظ ارزش، احترام و کرامت انسانی اوست. نظیر این روایات بسیار است و همه مبین ارزش کارگر و توجه به حقوق او در این دین است. اما علاوه بر آن، از مطالعه احکام و دستورات اسلامی وجود حقوقی برای کارگر استفاده می‌شود:

۲-۲-۱. پرداخت مزد عادلانه در پرتو احکام اسلامی

بر اساس متون اسلامی نه تنها باید در برابر انجام کار، مزد پرداخت گردد، بلکه این مزد باید مناسب و شایسته کار مورد نظر فرد باشد. در این زمینه مروی است که پیامبر (ص) در آخرین خطبه خویش قبل از وفاتشان فرمودند: کسی که به کارگری ستم روا دارد و مزدی که شایسته اوست نپردازد، خداوند عمل او را تباه ساخته و بهشت را بر او حرام می‌سازد. (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳: ۲۴۷)

پرداختن سریع و به موقع مزد به کارگر نیز، از دیگر اموری است که شارع بر آن تأکید کرده و می‌توان آن‌ها نیز در زمره حقوق حمایتی کارگر از منظر اسلام دانست. در همین زمینه از پیامبر (ص) نقل شده که فرمودند: *أَعْطُوا الْأَجِيرَ أَجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَجِفَّ عَرَقُهُ*. (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۷۵) یعنی پیش از آنکه عرق کارگر خشک شود مزدش باید پرداخت گردد. همچنین از منظر اسلام پرداختن مزد کارگر در واقع بهره‌کشی از یک انسان بدون پرداخت حق الزحمه وی محسوب می‌شود. یکی از وصایای پیامبر (ص) به علی بن ابیطالب (ع) در خصوص کارگر و مزد اوست، ایشان می‌فرمایند: *يَا عَلِيُّ!... وَلَا تُسْخِرْهُ عَلِيَّ مُسْلِمًا*، یعنی *الْأَجِيرُ...*، (کلینی، ۱۳۷۳، ج ۵: ۲۸۲) و یا روایتی که از خود امیرالمؤمنین (ع) خطاب به کارگزارانشان وارد شده است که بیان فرمودند: *لَا تُسْخِرُوا الْمُسْلِمِينَ فَيُتَدَلُّوهُمْ...* (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۱۰۳: ۱۷۲) واژه «سُخِرَ» بمعنی بیگاری گرفتن کارگر بدون پرداخت مزد، و یا به عبارتی هرگونه کار اجباری است که از نظر اسلام مردود شناخته شده است. (موسوی، فضل‌الله. پیشین، ص ۷۵)

۲-۲-۲. توجه به ساعات کار در متون دینی

یکی دیگر از حقوقی که برای کارگر مد نظر بوده و در حقوق حمایتی کار نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، مربوط به ساعات کار کارگر است، موضوعی که در روایات اسلامی نیز به آن توجه شده است.

یکی از روایات منقول در این زمینه روایتی است که از امام رضا (ع) نقل شده است و مضمون آن بر توجه به ساعات کار است؛ ایشان در بیان اهمیت این امر می‌فرمایند: *..إِجْتَهِدْ أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: ... وَسَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ...* (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۴) با توجه به تأکید روایت مذکور بر تقسیم ساعات زندگی به چهار قسم، می‌توان نتیجه گرفت که ساعت کار هر کارگر را باید محدود به شش ساعت در شبانه‌روز دانست تا او بتواند به جنبه‌های معنوی و سایر فعالیت‌های خود نیز، بپردازد. (عراقی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۸)

۲-۲-۳. حق تشکل صنفی از منظر اسلام

در خصوص حق تشکل در اندیشه اسلامی نیز باید در ابتدا بیان داشت که اسلام دینی اجتماعی است که هدف انبیاء را هدایت جامعه انسانی برای برقراری عدالت می‌داند^{۱۹}. علاوه بر اطلاق اسلام به مردم و مؤمنین، با نگرش گروهی در قرآن کریم به جماعتی نظیر *فِتْنَةُ ۲۰*، *زُمر ۲۱* و *أفواج ۲۲* می‌توان آن‌ها را در ردیف نهادهای مدنی مورد استعمال در زمان حاضر قلمداد کرد.

در میان گروه‌های عدیده مذکور در قرآن کریم، اصطلاح «حزب» بیش از همه جلب توجه می‌کند و موارد استعمال آن نشان می‌دهد که حزب در قرآن، تجمع گروهی است که بر اندیشه و هدف واحدی توافق داشته باشند و از آن با جدیت دفاع کنند. (مصطفوی، بی تا: ۱۳۱) بنابراین، وحدت عقیده و هدف در چنین تشکل‌هایی ملحوظ است.

در نظام اسلامی نیز براساس رهیافت قرآنی، حزب و تشکلی که بر حق باشد مجاز به فعالیت می‌باشد و حزب غیردینی که معتقد به ادیان دیگر نظیر یهودیت، مسیحیت و زرتشتیت باشد، تنها در صورتی مجاز به فعالیت می‌باشد که در چارچوب قوانین دولت اسلامی کوشش کرده و برخی از مصالح جامعه اسلامی را مراعات کنند. همچنین باید مطمح نظر قرار داد که اصطلاح حزب و تشکل که تحت عناوینی از جمله حزب الله^{۲۳}، حزب الشیطان^{۲۴}، حزب^{۲۵} و احزاب^{۲۶} بکار رفته، از یک طرف حکایت از ائتلاف ارادی اعضای گروه‌ها و احزاب دارد و از طرف دیگر با توجه به آهنگ و نیت تشکیل دهندگان آن‌ها، مورد ارزیابی مثبت و منفی قرار گرفته‌اند. براین اساس گروهی که در مسیر خداوند و پیامبر و ایمان‌آوردگان به خدا باشند، حزب‌الله، و در مقابل، گروهی که شیطان به اهداف و عقیده آن‌ها تسلط یافته باشد، حزب‌الشیطان لقب گرفته‌اند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۹۲)

۲-۲-۴. تأمین اجتماعی در اسلام

یکی دیگر از مصادیق کار شایسته، تأمین اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی در این زمینه از کارگران است. تأمین اجتماعی بر اساس اصل مسئولیت متقابل همگانی، از پایه‌های اصلی عدالت اجتماعی است. این تکلیف اجتماعی از منظر اسلام بدین ترتیب مورد توجه قرار گرفته است که، مسلمانان همه به منزله یک پیکر واحدند؛ همچنانکه از کلام پیامبر (ص) در این زمینه آمده است که فرمودند: *مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَدُّهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا إِشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ، تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَ الْحِمَى.* (النیسابوری، بی تا، ج ۸: ۲۰) یعنی مثل مؤمنان در دوستی و عطف نسبت به یکدیگر، مثل یک تن است که اگر عضوی به شکوه درآید، بقیه اعضا نیز به همراهی او به تب و تاب می‌افتند. امری که دولت اسلامی نیز باید به آن توجه کرده و مقدمات آن‌ها فراهم نماید.

اسلام همچنین به عنوان یک آیین جامع که عنایت همه‌جانبه به نیازهای مادی و معنوی دارد، حمایت از محرومان را به نحو جدی دنبال می‌نماید و با اختلافات طبقاتی به مبارزه برمی‌خیزد. حکومت اسلامی بیت‌المال را تأسیس می‌کند، منابع آن‌ها از طریق اخذ مالیات‌های گوناگون و ثروت‌ها و ذخایر مشترک جامعه تأمین می‌نماید و آنگاه وجوه

آن‌ها بر اساس ضوابط و قواعد مشخص، در جهت تأمین مصالح و منافع عمومی به مصرف می‌رساند. از جمله این مصالح، حمایت مالی مستمر از فقرا و مساکین و به طور کلی همه کسانی است که به هر دلیل از تأمین معاش و زندگی شایسته خود بازمانده‌اند و نیاز به حمایت‌های اجتماعی از سوی دولت اسلامی می‌باشند.

همچنین دولت اسلامی باید مالیات را از دوش برخی از کارگران، ضعیفان و مستمندان برداشته و از این اقشار حمایت نماید. امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه فرموده‌اند: از لباس زمستانی و تابستانی مردم و همچنین از قوت روزانه و مأکولی که با آن کار می‌کنند، خراج نگیرید، زیرا آن‌ها مورد عفو قرار گرفته‌اند. (قریشی، ۱۳۶۶: ۶۷)

در گفتار معصومین همچنین بر رسیدگی و کمک به بیچارگان، محرومان و طبقات ضعیف نیز بسیار تأکید شده است. در فرمان امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر، گوشه‌ای از این موارد قابل مشاهده و بیان است. ایشان در فرازی از این نامه می‌فرمایند: «ای مالک! ... درباره گروه فرودست بیچاره از بینوایان و نیازمندان و ناتوانان که دستگیر و کارسازی ندارند، خدای را در نظر گیر... آنان را از بیت‌المال که در اختیار توست نصیبی بخش و هم از محصولات سرزمین‌های هر شهر که به دست مسلمانان گشوده شده است نصیبی... باید که حق همه را بپایی و هیچ‌کس را بی نصیب نگذاری... نباید کارشان را اندک‌مایه شماری و از نظر دور داری و از آنان روی بگردانی».^{۲۷}

موارد یادشده گوشه‌ای از اشکال تأمین اجتماعی طبقات محروم و کارگران نیز تلقی می‌گردد و طبیعی است که با مقتضات زمان و مکان، ممکن است اشکال گوناگون دیگری یابد. (موسوی، ۱۳۷۷: ۱۲۷)

۲-۲-۵. اشتغال زنان در اسلام

یکی دیگر از اموری که در کار شایسته بر آن تأکید شده است مربوط به کار و اشتغال زنان است. امری که پس از انقلاب صنعتی و پیدایش کارخانه‌های نوین صنعتی، در صدر مباحث سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و نگرش‌های متفاوتی نسبت به این موضوع پدیدار گشته است. (عراقی، ۱۳۸۴: ۵۲)

مسأله شخصیت زن در دین اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار است. قرآن کریم سیمای زن را با احترام ترسیم نموده و زن و مرد را از منشأ واحد دانسته^{۲۸} و بدین وسیله، برای او در کیان شخصیت بشری، قائل به مساوات شده است. وجود آیات متعددی در این زمینه، نشان از توجه جدی اسلام به شخصیت زن است.

در ابتدا باید از نظر گذراند که اصل جواز اشتغال زنان مورد توجه قرآن و سنت

معصومین قرار گرفته است، اما در کنار آن، رعایت شرایط عمومی حضور زن در جامعه^{۲۹}، رعایت کرامت و حیثیات زن، شوهر^{۳۰} و مصالح خانواده از اهم شرایط جواز اشتغال زنان است. نگرش کلی اسلام آن است که زنان به مشاغلی روی آورند که متناسب با وضعیت روحی و جسمی‌شان باشد^{۳۱}. از برخی آیات قرآن کریم نیز می‌توان استنباط نمود که کسب‌وکار برای زنان نیز در کنار مردان مجاز بوده و مورد توجه قرار گرفته است. آیه اول: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ»^{۳۲} ... «مردان را از آنچه کسب کرده و بدست آورده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده و بدست آورده‌اند بهره‌ای است».

آیه کریمه مذکور بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد؛ زیرا حلال بودن اکتساب یعنی تحصیل درآمد، مفروض گرفته شده و سپس درباره درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. بنابراین اگر زن و یا مردی از راه کار کردن خود، چیزی به دست آورند مخصوص خودشان است. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۶: ۱۰۱) همچنین نکته‌ای که از این آیه برداشت می‌شود توجه و عنایت خاص اسلام به حق مالکیت و استقلال مالی زنان است که با حق کار و اشتغال آنان، ارتباط تنگاتنگ دارد؛ زیرا اگر حق کار زنان به رسمیت شناخته شود اما استقلال مالی از آنان گرفته شود، نتیجه کار زنان عاید خود آنان نخواهد شد و زنان مالک دسترنج خود نخواهند بود.

از این رو، با توجه به آیه کریمه، از دیدگاه اسلام، هر انسانی می‌تواند بر دستاوردهای اقتصادی خود تسلط یابد. همچنین اسلام به شکل بی‌سابقه‌ای، حقوق زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده و به زن استقلال و آزادی کامل داده، دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده و حق قیمومیت در معاملات زن را از مرد گرفته است^{۳۳}.

آیه دوم: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ»^{۳۴} «هنگامی که نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا طلب کرده و خدا را بسیار یاد کنید؛ امید است که رستگار شوید».

این آیه نیز با اطلاق خود، بر جواز کار زنان دلالت دارد. گرچه جمله «وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ» و یا تعبیرات مشابه آن در قرآن، شاید غالباً به معنای طلب روزی و کسب و تجارت است، ولی پرواضح است که مفهوم این جمله گسترده است و کسب‌وکار و اشتغال نیز، یکی از مصادیق آن است. بنابراین خطاب در این آیه عام بوده و شامل مرد و زن می‌شود.

(جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ج ۲۴: ۱۲۷-۱۲۸)

از کلمات پیشوایان دینی نیز می‌توان جواز اشتغال زنان را به دست آورد؛ چنان‌که رسول اکرم (ص) در جایی می‌فرماید: *طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ*، (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۱۰۰: ۲۸۱) که این بیان، طلب مال حلال از راه کسب و کار را نیز شامل می‌شود. همچنین سیره حضرت در عصر رسالت در خصوص کار زنان، به خوبی گویای جواز کار آنان است و ایشان از آن نهی نفرموده و آن‌ها در چارچوب احکام اسلام امضاء کرده‌اند و بر همین اساس است که اشتغال زنان در عصر رسالت به چشم می‌خورد^{۳۵}. بنابراین می‌توان از آیات و روایات این‌گونه استنباط کرد که زنان حق دارند برخی مشاغل را عهده‌دار گردند؛ زیرا اطلاق و عموم آیات و روایات بر این امر دلالت دارند، مگر دلیل خاصی آن‌ها را مقید، و شغل خاصی را برای زنان ممنوع ساخته باشد.

نکته دیگر در باب کار و اشتغال زنان، برخورداری آن‌ها از دست مزد مساوی و برابر با مردان برای کار هم‌ارزش است. هرکس برای دیگری کار کند اعم از اینکه نیروی کار مرد باشد و یا زن، باید مزد عادلانه دریافت نماید. در اسلام در خصوص دست‌مزد میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد، درحالی‌که در برخی از کشورهای صنعتی، زن را، که دست‌مزد کمتری از مرد می‌طلبد، به کار می‌گیرند. (ILO, 2000: 38)

نکته پایانی در این زمینه این است که، چنانچه بین کار زن و ارزش‌های مهم و بنیادی‌تر تعارضی ایجاد گردد، نگاه اسلام به کار زنان متفاوت خواهد بود و سعی بر آن است که در کنار کار زنان، ارزش‌های بنیادین و اساسی، صیانت و حمایت شود. البته این موضوع در مورد کار مردان نیز صادق بوده و منحصر به زنان نمی‌باشد. بر همین اساس، ارزش‌ها و نهادهایی مثل خانواده، که در اسلام دارای اهمیت بنیادین هستند، صیانت می‌شوند و حفظ آن‌ها در درجه اول اهمیت قرار دارد. بنابراین در صورت تراحم بین کار زنان در بیرون از خانه و مصالح مهم‌تر، مصالح اساسی‌تر مقدم خواهند بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که اسلام کار زنان را در کنار دیگر مسائل و امور اجتماعی لحاظ نموده و از نگرش تک‌بعدی به کار زنان دوری نموده است. البته این به معنای نفی ضرورت حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیست.

۲-۲-۶. کار کودکان در اسلام

از دیگر مؤلفه‌هایی که برای کار شایسته متصور است، کار کودکان می‌باشد. امری که در فقه اسلامی از آن نهی شده است. شاید بتوان این موضوع را با ممنوعیت معامله توسط کودکان به دلیل حجر او مرتبط دانست و علت آن نیز مصلحت کودک می‌باشد^{۳۶}. در روایتی از امام صادق (ع)، کار کودکان مورد نهی قرار گرفته است؛ حضرت از قول پیامبر

(ص) می‌فرماید: نَهَى النَّبِيُّ عَنْ كَسْبِ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ الَّذِي لَا يُحْسِنُ صِنَاعَةً بِيَدِهِ. (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ۱۱۸) «پیامبر از کار کردن و دادوستد کودکان نهی کرده‌اند». البته در ادامه روایت برای این نهی شرایطی مطرح شده است که در هر صورت صلاح و مصلحت کودک مورد نظر بوده است.

نکته پایانی در این خصوص نیز این است که با توجه به سادگی روابط کار در صدر اسلام و بعد از آن در قدیم، نمی‌توان انتظار داشت که در احکام اسلامی جزئیاتی در حد قوانین و آیین‌نامه‌های فعلی کار، وجود داشته باشد اما با توجه به اصول کلی می‌توان از نظر گذراند که مقرراتی که در جهت حمایت از کارگر و تأمین حقوق او باشد، با روح قوانین اسلامی مابینتی ندارد.

نتیجه گیری

کار شایسته، به عنوان مقوله‌ای جدید در عرصه بین‌الملل کار و باهدف حمایت از کرامت و حقوق انسانی کارگر مطرح و برای آن، مؤلفه‌هایی در نظر گفته شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از سویی با توجه به عضویت در سازمان بین‌المللی کار، موظف است به مقوله‌نامه‌های مصوب در سازمان مذکور الحاق گردد و از سوی دیگر با توجه به ماهیت اسلامی نظام و طبق اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات، باید بر اساس موازین اسلامی به تصویب رسد. با این بیان و ضمن تحلیل و بررسی آیات قرآن کریم و روایات معصومین در زمینه کار، می‌توان نتیجه گرفت که کارگر به عنوان عضوی مهم از جامعه انسانی، دارای جایگاهی رفیع در دین اسلام بوده و از منظر شارع مقدس مورد تکریم و حمایت قرار گرفته است. برای نمونه در اسلام ضمن توجه به کرامت انسانی کارگر و جهت تحقق و اعتلای آن، پرداخت مزد عادلانه و توجه به ساعات کار مربوط به آن، همچنین حق تشکیل صنفی و تأمین اجتماعی، به رسمیت شناخته شده است. باید اضافه نمود که مقوله اشتغال زنان و کار کودکان نیز از دیگر امور مورد توجه اسلام بوده و این مؤلفه‌ها به نحو مطلوبی در این دین متجلی شده است. اموری که کار شایسته نیز در پی تحقق آن‌ها در عرصه جوامع بشری در تلاش می‌باشد.

یادداشت ها

- 1- Decent Work.
- 2- International Labour Organization
- 3- Fundamental Principles and Rights at Work.

- ۴- مقاله نامه آزادی انجمن ها و حمایت از حق نهادینه کردن تشکل ها (۱۹۴۸)
- ۵- مقاله نامه حق تشکیل سازمان و مذاکرات جمعی (۱۹۴۹)
- ۶- مقاله نامه کار اجباری (۱۹۳۰)
- ۷- مقاله نامه لغو کار اجباری (۱۹۵۷)
- ۸- مقاله نامه تساوی مزد (۱۹۵۱)
- ۹- مقاله نامه تبعیض در اشتغال و حرفه (۱۹۵۸)
- ۱۰- مقاله نامه حداقل سن کار (۱۹۷۳)

۱۱- مقاله نامه ممنوعیت کار کودک و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک (۱۹۹۹)

12- Productive Employment

13- Social Protection.

14- Social Dialogue.

۱۵- هود/۶۱

۱۶- نجم/۳۹.

۱۷- انشراح/۷.

۱۸- قصص/۷۷.

۱۹- حدید/۲۵.

۲۰- بقره/۲۴۹.

۲۱- زمر/۷۳.

۲۲- نصر/۲.

۲۳- مجادله/۲۲، مائده/۵۶.

۲۴- مجادله/۱۹.

۲۵- مؤمنون/۵۳، روم/۳۲، فاطر/۶.

۲۶- هود/۱۷، رعد/۳۶، مریم/۳۷.

۲۷- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲۸- نساء/آیه ۱.

۲۹- از جمله این شرایط رعایت حجاب است. از دیگر شرایط عمومی حضور زن در جامعه، عدم اختلاط است که عدم رعایت آن، خطر شکستن حصار عفاف و پاکدامنی را در پی دارد. (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ۵۵۰-۵۵۱)

۳۰- با توجه به اینکه در جهت حفظ کیان خانواده و از نظر اسلام، و به جهت برتری‌های جسمانی و خدادادی، ریاست و سرپرستی خانواده بعهد مرد است، از باب مدیریت خانواده، اذن مرد در این خصوص شرط شده است. بیشتر فقها قائلند که زن بدون اذن شوهر جایز نیست از منزل خارج شود. برخی از فقها نیز این نظر را دارند که مانعی نیست زن بدون اذن شوهر از منزل بیرون رود، بشرط آنکه حق شوهر در روابط زناشویی ضایع نشود. (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۱) اما از سوی دیگر، مرد نیز حق ندارد بدون دلیل از اشتغال زن جلوگیری نماید. (فضل‌الله، ۱۳۸۲: ۶۵)

۳۱- برخی از مشاغل بدلیل وضعیت روحی و جسمانی زنان، ممنوع شده‌اند در اسلام زنان بدلیل قوای جسمانی تکلیفی به جهاد ابتدایی ندارند. از دیگر مشاغل ممنوع برای زنان بخاطر غلبه قوه عاطفی و احساسات آنها، قضاوت است. نظر اکثر فقها بر آن است که، زنان نمی‌توانند شغل قضاوت اختیار نمایند؛ جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام، ط. السابعة، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۴۰، ص ۱۴۴. الجبل العاملی، زین العابدین بن علی (شهید ثانی) مسالک الافهام، الطبعه الاولى، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۳۲۷.

۳۲- نساء/۳۲.

۳۳- این در حالی است که در ماده (۲۲۳) قانون مدنی فرانسه آمده است: «هریک از زوجین می‌تواند آزادانه شغلی را انتخاب کند، درآمد و حقوق مربوط به آنرا بگیرد، و پس از کسر مخارج مربوط به خانواده، آنرا برای خود نگه دارد». بنابراین در نظام حقوقی فرانسه زن قسمت زیادی از ثروت خود را باید صرف مخارج خانواده کند

۳۴- جمعه/۱۰.

۳۵- امور غیرعامه از قبیل تعلیم و تعلم، کسب، پرستاری و غیره از جمله اموری است که پیامبر (ص) زنان را از آن منع فرموده و سیره نبوی بسیاری از این کارها را امضاء کرده است. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۴۹)

۳۶- برای توضیح بیشتر در این زمینه، به «کتاب الحجر» در کتب فقهی مراجعه نمایید.

منابع

۱. ابدی، سعیدرضا (۱۳۸۶). تحلیل کارشایسته در جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲. استوارسنگری، کورش (۱۳۸۷). حقوق تأمین اجتماعی. تهران: نشر میزان.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۲. چاپ بیست و یکم.
۴. سپهری، محمدرضا (۱۳۸۱). حقوق بنیادین کار. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۵. _____ (۱۳۸۲). کار شایسته. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵). حقوق اساسی. تهران: نشر میزان.
۷. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳). المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، ج ۴.
۸. عراقی، سیدعزت‌الله (۱۳۸۴). حقوق کار. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت، ج ۱.
۹. _____ (۱۳۵۶). دوره حقوق کار. تهران: انتشارات دانشگاه ملی، ج ۱.
۱۰. _____ (۱۳۹۱). تحول حقوق بین‌المللی کار. تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
۱۱. قریشی، شریف (۱۳۶۶). العمل و الحقوق العامل، ترجمه ادیب‌لاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. محدث، جواد (۱۳۸۳). گفتگوی اجتماعی - فرایندها، پیامدها. مجله کار و جامعه، شماره

۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مجموعه آثار. چاپ دوم، قم: انتشارات صدرا، ج ۱۹.
۱۴. موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۷۷). گفتارهایی درباره حقوق کار. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۵. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۶). ضوابط شرعی اشتغال زنان. مجله پیام حوزه، شماره ۱۴.
۱۶. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: نشر میزان، چاپ اول.
۱۷. هرنندی، فاطمه (۱۳۸۹). کار شایسته و نماگرهای آن در ایران. مجله کار و جامعه، شماره ۱۲۸.
۱. النیسابوری، مسلم‌بن حجاج (بی‌تا). صحیح مسلم. بی‌جا: مرکز المعلومات الاسلامیة، ج ۸.
۲. حرانی، حسن‌بن شعبه (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳. حرعاملی، شیخ‌محمدبن حسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعة. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: المکتبة الاسلامیة، ج ۱۸.
۴. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق). منهج الصالحین. چاپ ۲۸، قم: مدینة‌العلم، ج ۲.
۵. صدوق، شیخ‌ابی جعفر محمدبن علی (۱۳۹۲ق). من لایحضره الفقیه. بی‌جا: مکتبه الصدوق، ج ۳.
۶. طوسی، شیخ‌ابی جعفر محمدبن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الأحکام. کتاب‌التجاره، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۳). الفروع من الکافی. تهران: انتشارات کتابچی، ج ۵.
۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۳). بحار الأنوار. تهران: انتشارات کتابچی، ج ۱۰۰.
۹. مصطفوی، سیدحسن (بی‌تا). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۱۰. مظفر، محمدرضا (۱۴۲۴ق). اصول فقه. قم: انتشارات جهان.

1. Juan, Somavia (1999), Director-General 87th Session of the International Labour Conference, International Labour Office: Geneva.

2. ILO (2012), Convergences: decent work and social justice in religious traditions, First published, International Labour Office: Geneva.

3. ILO (2000), ABC of worker's right and gender equality, International La-

bour Office: Geneva.

<http://www.ilo.org/ipecc/Action/social-dialogue/lang--en/index.htm>

۳۱

دو فصلنامه مطالعات
حقوق و حقوق اجتماعی

تحلیل مفهوم کار شایسته مبتنی بر موازین اسلامی
حمزه اشکونوس و همکار

